

# جمع آوری قرآن در عهد رسول خدا (ص)

دکتر محمد سپهری  
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

## چکیده

قرآن کریم، در طی دو نزول دفعی و تدریجی، در مدت بیست و سه سال رسالت پیغمبر اکرم (ص)، به وسیله جبرئیل بر آن حضرت نازل شد. رسول خدا (ص) پس از دریافت وحی آیات نازل شده را به مسلمانان ابلاغ می کرد. سپس به کاتبان وحی املا می فرمود تا هر آیه و سوره ای را زیر نظر آن گرامی، در محل خود قرار دهند.

پرسش تحقیق این است: قرآنی که هم اکنون در دست مسلمانان است، در چه زمانی بدین شکل تدوین و جمع آوری شده است؟ نویسنده با مراجعه به منابع شیعه و اهل سنت و با استناد به دلایل و شواهد تاریخی، بر این عقیده است که، قرآن در عهد پیغمبر اکرم (ص) و زیر نظر و با مراقبت و اشراف دقیق آن گرامی به صورت کنونی جمع آوری شده است.

## مقدمه

قرآن کتاب مقدس مسلمانان، منبع نخست اصول و مبانی تعلیمات دینی اسلامی و معجزه‌ی جاودانی پیغمبر اکرم (ص) است. مسلمانان اهمیت ویژه‌ای به این کتاب و تلاوت، حفظ و عمل به احکام، تعالیم و دستورات آن را از رسول خدا (ص) آموخته‌اند. از این رو، قرآن از آغاز نزول تا کنون، همواره در جنبه‌های متفاوت، مورد توجه و عنایت ویژه‌ی دانشمندان و مفسران مسلمان بوده و هست. یکی از مباحث اصلی در پیرامون قرآن، تاریخ و چگونگی جمع و تدوین آن است.

دانشمندان اهل سنت، ضمن بیان داستان‌های گشته شدن شماری از قاریان و حافظان قرآن در جنگ‌های موسومی به ارتداد، در منطقه‌ی یمابه، بر این عقیده‌اند که جمع قرآن در روزگار خلافت ابوبکر، به پیشنهاد عمر بن خطاب و تصویب خلیفه اول، به وسیله‌ی یکی از حافظان قرآن به نام زید بن ثابت انصاری انجام شده است. در مقابل دیدگاه دیگر بر این اعتقاد است که قرآن کریم در عصر رسالت و زیر نظر مستقیم رسول خدا (ص) جمع‌آوری و تدوین شده است، چنان‌که شمار زیادی از یاران پیغمبر (ص) علاوه بر حفظ همه یا بخش‌هایی از قرآن، مصاحفی از آن را برای خود نوشته بودند که از پیامبر (ص) نیز رسیده و در جای خود محفوظ بود.

در این مقاله، تلاش نگارنده بر این است که برخی دلایل خود را در صحت جمع‌آوری و تدوین قرآن در عصر پیغمبر (ص)، با استناد به آیات، احادیث و روایات و متون تاریخی بیان کند. در پایان نیز نظر خود را درباره‌ی دیدگاه نخست خواهیم گفت.

## جمع و تدوین قرآن

دلایل و شواهد فراوانی در دست داریم که جمع و تدوین قرآن در عصر رسول خدا (ص) را به صورت قطع و یقین به اثبات می‌رساند. شمارش همه‌ی این شواهد و دلایل از حوصله‌ی این بحث خارج است و مجالی فراتر نیاز است تا به گونه‌ای گسترده به کاوش در این باره پردازیم. بدین لحاظ خواهیم کوشید به گوشه‌ای از این دلایل و شواهد بسنده کنیم.

گروهی از دانشمندان قرآن پژوه بر این نکته تأکید ورزیده‌اند که قرآن در زمان حیات رسول خدا (ص) گردآوری شده است. از جمله می‌توان از این افراد نام برد: خازن، زرقانی، زرکشی، غزالی، باقلانی، حارث محاسبی، عبدالصبور شاهین، شیخ حر عاملی، بلخی، سیدبن طاووس، سیدشرف‌الدین عاملی و سیدجعفر مرتضی عاملی<sup>۱</sup>.

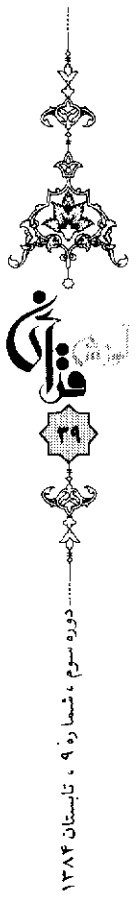
نوشته و گردآوری شده است. ابن حجر نیز همین نظریه را برگزیده است.<sup>۲</sup>

ما دلایل و شواهد خود را در این باره به این شرح بیان می‌کنیم:

## ۱. جایگاه ویژه‌ی قرآن

می‌دانیم که اسلام آخرین شریعت توحیدی است که همه‌ی شرایع پیش از خود را نسخ کرده است. پس از آن نیز هرگز شریعت جدیدی از سوی خداوند نخواهد آمد. در آیات قرآن، پیامبر اکرم (ص) پایان بخش رسولان الهی معرفی شده است:

قرآن کتاب آسمانی پیامبر (ص) است که از طریق وحی به او رسیده و از سوی نیز معجزه‌ی جاودانی اوست که تعالیم و آموزه‌های اصلی و اساسی شریعت اسلامی در آن آمده است. بنابراین نمی‌توان پذیرفت که رسول خدا (ص) به حفظ آن در سینه‌ی مردانی که از آفات انسانی فراوانی برخوردارند، بسنده کرده، کتاب خدا را به صورت پراکنده رها ساخته باشد و هیچ‌گونه اقدامی برای تدوین و جمع آن در یک مجموعه‌ی قابل استفاده برای همگان، انجام نداده باشد. چنین تصویری باطل و مردود است.



## ۲. عرضی قرآن

روایاتی داریم که بر پایه‌ی آن‌ها رسول خدا(ص) سالی یک بار قرآن را به جبرئیل عرضه می‌کرد تا این که در سال آخر زندگی، حضرت، قرآن را دوبار عرضه کرد. پیامبر(ص) این عرضی دوباره را نشانه‌ی آن دانست که سال دیگر در قید حیات نخواهد بود.<sup>۳</sup> بنابراین، می‌باید قرآن به صورت کامل در یک مجموعه گردآمده باشد تا عرضی آن امکانپذیر باشد. تصور این که منظور از عرضی قرآن، محفوظات نهفته در سینه‌ی شخص رسول خدا(ص) است، با این واقعیت تاریخی سازگاری ندارد. چنان که ابن مسعود هم شاهد آخرین عرضی قرآن رسول خدا(ص) بود و بر همین پایه، آیات ناسخ و منسوخ را می‌شناخت.<sup>۴</sup> حتی شماری از افراد هم قرآن را به رسول خدا(ص) عرضه کرده‌اند. از این افرادند: امام علی(ع)، عثمان بن عفان، ابی بن کعب، ابن مسعود، زیدبن ثابت، ابودرداد و ابوموسی اشعری.<sup>۵</sup>

## ۲. اهتمام ویژه‌ی رسول خدا(ص) به قرآن

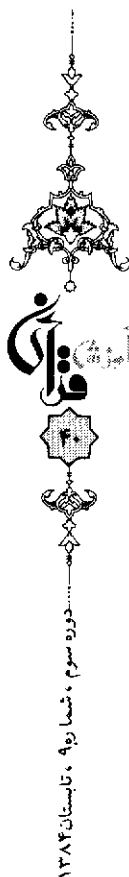
روایات فراوانی به ما رسیده که نشانگر اهمیت فوق‌العاده‌ای هستند که رسول خدا(ص) به کتاب پروردگارش مبذول می‌داشت. از جمله امام علی(ع) از رسول اکرم(ص) روایت کرده است که آن موردده نفر از افراد خانواده‌اش که باید به جهنم بروند، پذیرد.<sup>۶</sup> چگونگی ابلاغ و آموزش آیات قرآن پس از نزول، و نیز بیان جای هر آیه و سوره به کاتبان وحی، دلیل دیگری بر عنایت خاص رسول خدا(ص) به قرآن تواند بود. عبادة بن صامت، یکی از انصار بیعت کننده با پیغمبر(ص) در عقبه‌ی منی، می‌گوید: «هرگاه مردی هجرت می‌کرد، پیامبر(ص) او را به یکی از ما (صحابه) می‌سپرد تا قرآن را به او تعلیم دهد و همواره در مسجد رسول خدا(ص) در اثر تلاوت قرآن، همه‌ای برپا بود تا آن جا که حضرت دستور داد، به منظور پرهیز از به اشتباه انداختن یکدیگر، قرآن را با صدای آهسته‌تری تلاوت کنند.»<sup>۷</sup> اعزام مصعب بن عمیر با نخستین انصار مسلمان به یثرب، به منظور آموزش قرآن و احکام دین به نو مسلمانان این شهر<sup>۸</sup>، از همین اهتمام پیغمبر(ص) به قرآن حکایت می‌کند.

به گزارش محمد بن سعد واقفی<sup>۹</sup> رسول خدا(ص) فرمان داد، از میان مسلمانان کسی که بیش از دیگران قرآن را فرا گرفته یا جمع‌آوری کرده است یا بیش از سایر یاران اهل قرائت و تلاوت قرآن است، نمازشان را امامت و برایشان امیری کند.

دو حادثه‌ی تلخ و ناگوار «رجیع» و «بئر معونه» که در آن قریب به هشتاد نفر از معلمان و حافظان قرآن به وسیله‌ی بدویان به شهادت رسیدند، نشان استواری از اهتمام جدی رسول خدا(ص) برای ترویج و گسترش قرآن و تعالیم الهی آن به شمار می‌روند. چه، هنگامی که نمایندگان دو قبیله‌ی بادیه‌نشین «عَضَل» و «قاره» به مدینه آمدند و از پیامبر(ص) درخواست کردند، کسانی از یاران خود را برای آشنا کردن آن قوم با اسلام بفرستد، پیامبر(ص) ضمن پذیرش تقاضای آنان، شش تن از معلمان قرآن را همراه آن‌ها به بادیه فرستاد که همگی آنان در واقعه‌ی «رجیع» کشته شدند: چهار نفر در همان معرکه به وسیله‌ی بدویان هذیل و دو تن اسیر در مکه به دست قریش.<sup>۱۰</sup>

چند ماه پس از نبرد احد نیز همین حادثه‌ی تلخ برای شمار دیگری از معلمان قرآن تکرار شد که طی آن، در محل بئر معونه، بیش از هفتاد نفر از یاران پیغمبر(ص) که به قصد آموزش قرآن راهی بادیه بودند، به شهادت رسیدند.<sup>۱۱</sup>

همه‌ی این مسائل از اهتمام جدی و فوق‌العاده‌ی رسول خدا(ص) به قرآن کریم حکایت می‌کند. و نیز از شوق و آفری که آن حضرت در حفظ، جمع، آموزش و تفسیر کلام خداوند متعال داشت.



#### ۴. گروه کاتبان وحی

از مسلمات تاریخی است که رسول خدا (ص) نویسندگانی داشت که فقط قرآن را می نوشتند. آنان که به وسیله‌ی شخص آن حضرت به این مأموریت مهم منصوب می شدند، به کاتبان وحی شهرت داشتند. مورخان نام این گروه را آورده و برخی تا چهل و دو نفر از آنان را برشمرده اند<sup>۱۱</sup>. کار بدین ترتیب بود که پس از نزول وحی و ابلاغ عمومی آیات به همه‌ی مسلمانان حاضر، رسول خدا (ص) به کاتبان وحی املا می کرد و با تعیین جای هر آیه، نظارت دقیقی بر ثبت درست آن به وسیله‌ی کاتبان اعمال می فرمود. به زیدبن ثابت انصاری می گوید: «من همواره وحی را برای رسول خدا (ص) می نوشتم و چنین بود که هرگاه وحی نازل می شد، آن را در شرایط شدیدی دریافت می کرد... سپس من تکه استخوانی می آوردم و در حالی که پیغمبر (ص) املا می کرد، می نوشتم... چون از نوشتن فارغ می شدم، پیامبر (ص) می فرمود: بخوان. من می خواندم. چنانچه مطلبی یا چیزی جا افتاده بود، آن را تصحیح می کرد؛ آن گاه آن را برای مردم بیرون می برد.»<sup>۱۲</sup> چنان که روایت شده است: «جبرئیل همواره می گفت: این (آیه یا سوره) را در فلان جا قرار دهید.»<sup>۱۳</sup>

برخی چون علامه مرتضی عاملی<sup>۱۴</sup> را عقیده بر آن است که کتابت وحی از دوران مکه آغاز شد. وی برای اثبات درستی عقیده‌ی خود به داستان مسلمان شدن عمر بن خطاب اشاره می کند که: در خانه‌ی خواهرش دو صحیفه پیدا کرد که در آنها بخشی از قرآن نوشته شده بود و چون آیات مکتوب را برایش خواندند، مسلمان شد.<sup>۱۵</sup>

#### ۵. مصحف پیامبر (ص)

بر اساس برخی روایات، در منزل رسول خدا (ص) نسخه‌ای از قرآن وجود داشت که آن را روی شاخه‌های خرما، حریر و استخوان نوشته بودند.<sup>۱۶</sup> پیامبر اکرم (ص) به امیرالمؤمنین علی (ع) فرمان داد، آن را بگیرد و گردآوری کند. به عقیده‌ی برخی این همان مصحفی است که حضرت علی (ع) آن را در پارچه‌ای از حریر زرد جمع و در خانه‌اش آن را مهر و موم کرد و فرمود: «ردا بنوشم تا قرآن را تدوین کنم.»<sup>۱۸</sup> چنان که در روایتی از امام علی (ع) است که فرمود: «آیه‌ای از قرآن بر رسول خدا (ص) نازل نشد، مگر این که قرائت آن را به من آموخت و آن را به من دیکته کرد و من با خط خود نوشتم و رسول خدا (ص) تأویل، تفسیر، ناسخ و منسوخ آن را برایم بیان فرمودند.»<sup>۱۹</sup>

#### ۱. گروه قاریان

در عصر رسالت، شماری از اصحاب رسول خدا (ص) به قاری شهرت داشتند که در برخی روایات، از آنان نام برده شده است. چنان که در میان چهارگانه، طلحه، سعد بن ابی وقاص، عبداللّه بن مسعود، حذیفه بن یمان، ابوهریره، عبداللّه بن سائب، عبداللّه بن عمر، عبداللّه بن عباس و عبداللّه بن عمرو عاص. از صحابه‌ی دیگر این افراد قاری خوانده می شدند: حذیفه، حفصه و ام سلمه از همسران رسول خدا (ص)؛ ابو قریب، انصاری، مصعب بن عمیر و سلمه بن مخرّمه از یاران و اصحاب رسول خدا (ص)؛ و ابی بن کعب از انصار. این نیز می تواند شهادتی بر مدعای ما باشد که قرآن در عصر رسول خدا (ص) به صورت کتابی درآمده بود که ابتدا و انتهای آن معلوم بود و قاریان از روی آن قرائت می کردند؛ چرا که اگر کتاب خدا را از حفظ می خواندند، می باید با عنوان کاتبان از آن‌ها یاد می شد، نه قاریان.

## ۷. گردآوردندگان قرآن در عهد رسالت

بنا به تصریح شماری از مورخان، گروهی از یاران پیامبر (ص)، در عصر رسالت قرآن را جمع آوری کرده‌اند. آنان خود به صراحت اعلام کرده‌اند، ما در عهد پیغمبر (ص) قرآن را گردآوردیم. چنان‌که برخی به جمع همگی قرآن و شماری نیز به جمع بخشی از قرآن تصریح کرده‌اند. مسلم است، منظور از جمع قرآن، معنایی در قبال تفرق و پراکندگی است. چه می‌دانیم که قرآن علاوه بر نزول دفعی، به تدریج در مناسبت‌های گوناگون به صورت پراکنده به رسول خدا (ص) نازل شده است. در این میان، گروهی از صحابه، نزول آیات را پیگیری می‌کردند تا هرگاه آیه یا سوره‌ای فرود می‌آمد، آن را با نظر رسول خدا (ص)، در جای خود قرار می‌دادند.

تصور نمی‌توان کرد که منظور از این جمع، سپردن آیات قرآن به حافظه بوده است. چه، شمار حافظان صحابه پیش از آن است که بخوایم آنان را در گروه معینی خلاصه کنیم. برای مثال، بیش از هفتاد تن آنان در حادثه‌ی ناگوار و تلخ عروه در مقام بیان علت گردآوری قرآن در روزگار ابوبکر بر این عقیده است که «تعدادی از صحابه در یمامه کشته شدند. آنان قرآن را گردآورده بودند.»<sup>۲۱</sup>

صدها سال پس از مرگشان باقی بود. از آن جمله‌اند: امی بن کعب، زید بن ثابت و عبدالله بن مسعود.<sup>۲۳</sup> در روایات، از مصحف عایشه و مصحف حفصه هم نام برده شده است. چنان‌که خلیفه‌ی سوم، برای یکی کردن قرائت قرآن، جامع نبوده‌اند و از لحاظ ترتیب آیات و سوره‌ها یا نقصان یک یا دو سوره، هم تفاوت داشته‌اند. این مطلب در اثبات مدعای ما خدشه‌ای وارد نمی‌کند.

علامه سیدجعفر مرتضی عاملی، نام این افراد را با استناد به روایات و اخبار مندرج در متون تاریخی و حدیثی استخراج کرده و از ۲۴ نفر آنان نام برده است. ما به منظور رعایت اختصار، از ذکر اسامی آنان خودداری می‌کنیم و خواننده را برای دیدن تفصیل مطلب، به کتاب «پژوهشی نو درباره قرآن کریم»، صفحات ۸۶ تا ۹۲ ارجاع می‌دهیم.

## ۸. ثواب نگاه کردن به قرآن

روایات و احادیثی از رسول خدا (ص) به ما رسیده‌اند که تأکید دارند، نگاه کردن و نگریستن به آیات قرآن، ثواب دارد. در این جا به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم:

ابوسعید خدری از پیامبر (ص) نقل کرده است که حضرت فرمود: «چشمانتان را از عبادت بهره‌ای است که باید به آن عطا کنید. پرسیدند: بهره‌ی چشم از عبادت چیست؟ حضرت فرمود: نگریستن در قرآن و اندیشیدن در آن...»<sup>۲۵</sup>

انس بن مالک از رسول خدا (ص) نقل کرده است: «کسی که با نظر به مصحف، قرآن را بخواند، از بینایی خویش بهره برده است.»<sup>۲۶</sup> پسر زبیر هم از حضرت روایت کرده است که فرمود: «کسی که قرآن را از حفظ ختم کند، یا آن را با نگریستن در مصحف به پایان رساند، خداوند به پاس این عمل، درختی در بهشت به او عطا کند.»<sup>۲۷</sup>

اگر قرآن جمع و تدوین نشده بود، چگونه پیامبر (ص) مسلمانان را تشویق می‌فرمود که برای نیل به ثواب و اجر الهی، در قرآن بنگرید و در مصحف نظر کنند؟!

## ۹. ختم

رسول اکرم (ص) همواره به یاران خویش سفارش می‌کرد، به ختم قرآن همت گمارند. مطابق برخی گزارش‌ها<sup>۲۸</sup> هفت یا سه شب برای ختم کل قرآن در نظر گرفته شده بود. چنان‌که حضرت فرمود: «هر کس قرآن را در مدت هفت روز بخواند، این عمل مقربان است و کسی که آن را در پنج روز قرائت کند، این عمل صدیقان است.»<sup>۲۹</sup>

به موجب همین روایت، وقتی درباره‌ی ختم قرآن طی سه روز از حضرت پرسش کردند، پیامبر (ص) آنان را از این کار منع فرمود.

از جمله‌ی افرادی که قرآن را در حیات رسول خدا (ص) ختم می‌کردند، می‌توان از امام علی (ع)، عبدالله بن مسعود و عثمان بن عفان یاد کرد.<sup>۳۰</sup>



روایت جلال‌الدین سیوطی بر این نکته تأکید دارد که ختم قرآن به معنی خواندن آن از ابتدا تا انتها بوده است. بر این روایت آمده است: «بهترین اعمال نزد خداوند، حال مرتحل است؛ او کسی است که از اول تا آخر قرآن را می‌خواند و چون به جایی برسد، از همان جا ادامه می‌دهد.»<sup>۳۱</sup>

### ۱. نهی از همراه بردن قرآن به سرزمین کفر

به گزارش برخی روایات و اخبار تاریخی، پیغمبر اکرم (ص) از همراه بردن مصاحف به سرزمین‌های کفر و شرک نهی می‌فرمود تا مبادا به دست کفار بیفتند. در برخی متون، به جای واژه‌ی «مصاحف»، «قرآن» آمده است. جلال‌الدین سیوطی<sup>۳۲</sup>، ابن قتیبه<sup>۳۳</sup> و صاحب کتاب المعتمر<sup>۳۴</sup>، «قرآن» را به همان معنای «مصحف» دانسته‌اند.

اگر قرآن تا روزگار خلف فقط در سینه‌ها بود، این نهی بی‌معنا می‌نمود. اصولاً هیچ‌کس را به انداختن نهفته در سینه‌ی دیگران راهی نیست. از این رو، می‌باید در آن دوره، قرآن به صورت مکتوب در آمده باشد تا رسول خدا (ص) یارانش را از همراه بردن مصحف به بلاد کفر و شرک نهی فرماید.

### نتیجه‌گیری

با عنایت و ملاحظه‌ی دلایل و شواهدی که تقدیم شد، می‌توان با قاطعیت نتیجه گرفت، قرآن مجید در عهد پیامبر اکرم (ص)، زیر نظر، اشراف و راهنمایی شخص آن حضرت جمع‌آوری شد. بر این اساس معتقدیم، آنچه به روزگار خلیفه‌ی اول نسبت می‌دهند، نه جمع و تدوین قرآن از شاخه‌های خرما و استخوان‌های پراکنده در نزد مسلمانان یا محفوظات نهفته در سینه‌ی حافظان صحابه، بلکه فقط و فقط یک رونویسی صرف برای دستگاه خلافت بود که بر خلاف شمار فراوانی از یاران پیامبر (ص) اعم از مرد و زن، هیچ‌کدام از خلفای اول و دوم، مصحف خاصی برای خود نداشتند. بیان این نکته را نیز در پایان این مقاله لازم و مناسب می‌دانیم که کار خلیفه‌ی سوم، عثمان بن عفان، جمع و تدوین قرآن نبود، چنان‌که گاهی اوقات در برخی محافل از زبان کسانی شنیده می‌شود، بلکه به صراحت روایات و اخبار تاریخی به دلیل اختلافات ناشی از زبان‌ها و لهجه‌های مختلف در قرائت قرآن، خلیفه‌ی وقت با مشاورت صحابه، از جمله امیر مؤمنان علی (ع)، به یکی کردن قرائت مصاحف اقدام و یک مصحف به نام مصحف ام بر پایه‌ی لغت قریش رونویسی کرد.<sup>۳۵</sup>

### منابع

۱. البرهان، زرکشی، ج ۱ ص ۲۴۰-۲۳۸؛ التتقان، سیوطی، ج ۱ ص ۶۰.
۲. پژوهشی نو درباره‌ی قرآن کریم، مرتضی‌عاملی، ترجمه‌ی محمد سپهری، ص ۶۱-۶۲.
۳. تاریخ طبری، محمد حسین صغیر، ص ۸۷-۸۵.
۴. الطبقات الکبری، محمد بن سعد و اقدی، ج ۲، قسم ۲، ص ۱۰۴.
۵. البرهان، زرکشی، ج ۱ ص ۲۴۴.
۶. کنز العمال، متقی هندی، ج ۱ ص ۴۷۷.
۷. حیاة الصحابه... الکاندی هلوی، ج ۳، ص ۲۶۰.
۸. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۹۰.
۹. الطبقات الکبری، محمد بن سعد و اقدی، ج ۲، ص ۸۹.
۱۰. المغازی، و اقدی، ج ۱، ص ۳۶۲-۳۵۴.
۱۱. سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۱۹۳؛ المغازی، و اقدی، ج ۳، ص ۳۴۶.
۱۲. السیرة النبویه، حلبی شافعی، ج ۳، ص ۳۲۷-۳۲۶.
۱۳. مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۱، ص ۱۵۲.
۱۴. التتقان، سیوطی، ج ۱، ص ۶۲.
۱۵. پژوهشی نو درباره‌ی قرآن کریم، مرتضی‌عاملی، ترجمه‌ی محمد سپهری، ص ۷۵.
۱۶. مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۹، ص ۶۳.
۱۷. التتقان، سیوطی، ج ۱، ص ۵۸-۵۷.
۱۸. پژوهشی نو درباره‌ی قرآن کریم، مرتضی‌عاملی، ترجمه‌ی محمد سپهری، ص ۷۷.
۱۹. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۸۹، ص ۵۲-۴۸.
۲۰. التتقان، سیوطی، ج ۱، ص ۷۲.
۲۱. المغازی، و اقدی، ج ۳، ص ۳۴۶.
۲۲. کنز العمال، متقی هندی، ج ۲، ص ۳۶۳.
۲۳. التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، ج ۴، ص ۲۰۵.
۲۴. مشکل الآثار، طحطاوی، ج ۴، ص ۱۹۳.
۲۵. المحجة البیضا، فیض کاشانی، ج ۲، ص ۲۳۱.
۲۶. کنز العمال، متقی هندی، ج ۱، ص ۴۷۷.
۲۷. مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۷، ص ۱۶۵.
۲۸. البرهان، زرکشی، ج ۱، ص ۴۷۱؛ التتقان، سیوطی، ج ۱، ص ۱۰۵-۱۰۴.
۲۹. کنز العمال، متقی هندی، ج ۱، ص ۴۶۱.
۳۰. همان، ج ۲، ص ۳۷۴.
۳۱. التتقان، سیوطی، ج ۱، ص ۱۱۱.
۳۲. همان.
۳۳. کنز العمال، متقی هندی، ج ۲، ص ۲۲۳.
۳۴. المعتمر من المختصر، حنفی، ج ۱، ص ۲۷.
۳۵. پژوهشی نو درباره‌ی قرآن کریم، مرتضی‌عاملی، ترجمه‌ی محمد سپهری، ص ۱۷۰-۱۶۸.

### زیر نویس

